

آسانسور نیکا

نماد اطمینان، آرامش و مشتری مداری

مدیران روز

گروه تخصصی مدیران طلایی
پل ارتباطی ۰۵۱۳۷۰۰۹۹۱۱
GOLDEN MANAGERبستری مناسب برای آشنایی بیشتر با
برندها، واحدهای ممتاز و دیدگاه های
مدیران طلایی و کارآفرینان برتر کشور

آسانسور نیکا

نیکا آسانبر شرق بینالود

مهندس ابراهیم محسنی

مدیر جوان و موفق کشور و
مدیر عامل و موسس شرکت
نیکا آسانبر شرق بینالود
در گفتگوی اختصاصی با
گروه مدیران طلایی
از باید و نبایدهای
صنعت آسانسور و رازهای
موفقیت خود می گوید:



مروری بر زندگی ابراهیم محسنی که در آن توقف و ایستایی معنایی ندارد

و حرفه ای پذیرفته شدیم. آموزش و پرورش اولین سالی بود که رشته آسانسور را به نیشابور آورده بود و ما تنها شرکتی بودیم که به دلیل داشتن تجربه، توان، تخصص و استانداردهای لازم برنده شدیم. اینجانب هم اکنون مدرس آموزش و پرورش نیشابور در شاخه ای آسانسور بوده و شرکت ما تنها طرف قرارداد آموزش و پرورش نیشابور می باشد و این بهترین اتفاق برای ما بود. این قرارداد برای دومین سال پیاپی در حال تمدید است و ما هر سال به ۶۰ دانش آموز میثت آسانسور را آموزش می دهیم. به نظر بنده امروزه تبدیل کسب و کار سستی به مدرن یک انتخاب نیست بلکه یک اجبار است. ما نحوه ایستاده ای صحیح از آسانسور و مسائل ایمنی آن را در مهد کودک های نیشابور به بچه ها آموزش می دهیم زیرا شرکت آسانسور نیکا را نه فقط با هدف فروش آسانسور بلکه با هدف آموزش فرهنگ استفاده درست از آسانسور راه اندازی کرده ایم. تأسیس آموزشگاه آزاد با هماهنگی و همراهی فنی و حرفه ای به گونه ای که در شیفت صبح طرف قرارداد ما آموزش و پرورش باشد و در شیفت عصر به صورت آزاد دوره هایی را برگزار کنیم که علاقمندان با مدرک فنی و حرفه ای فارغ التحصیل شوند، در دست اقدام بوده و مذاکرات مثبتی را با مراجع رسمی داشته ایم.

۲۵۰ هزار تومان حقوق می گرفتم و مخارج زندگی ام را مدیریت می کردم. سال ۱۳۹۳ شرکت تبلیغاتی پیام گستر به دلایلی تعطیل شد و من مدتی در یک لباس فروشی کار کردم و مدتی هم کارگاه تولید فیلتر ماشین به صورت خانگی دایر کردم. سپس با یکی از دوستان کارگاه طراحی مجسمه ها و المان ها برای شهرداری راه اندازی نمودیم که متأسفانه آن هم به مشکل خورد و نتیجه نگرفتیم. ورود به صنعت آسانسور در سال ۱۳۹۳ اتفاق افتاد. در کنار کار آسانسور در برهه های زمانی دیگر به مشاغل دیگری: بازاریابی بیمه، انرژی درمانی، تأسیس فروشگاه لبنی و کافه کتاب فانوس روی آوردم که از هیچ کدام نتیجه دلخواه نگرفتم. در سال ۹۷ با تمام مشغله های کار و زندگی موفق به دریافت مدرک کارشناسی در رشته مدیریت شدم. شرکت آسانسور نیکا در سال ۹۸ ثبت شد و از مهرماه ۹۹ شروع به فعالیت رسمی نمود. بنده همیشه به بحث آموزش علاقمند بودم و حتی در مسائل و موضوعات خانواده و انگیزشی به مخاطبین و گروه های هدف آموزش می دادم. در سال ۹۹ اولین قرارداد ما با آموزش و پرورش منعقد شد و ما به عنوان اولین و تنها طرف قرارداد آموزش و پرورش در بحث برون سپاری آموزش های فنی

در تعطیلات به مشهد می رفتم و کار گلدوزی کامپیوتری را دنبال می کردم تا مخارج دانشگاه را تأمین نمایم. اواخر سال ۱۳۸۷ مدرک کاردانی ام را اخذ نمودم. وقت آن رسیده بود که به سربازی بروم، قبل از رفتن به سربازی در سال ۱۳۸۸ ازدواج کردم. آن زمان بیکار بودم و بعد از یک ماه در شرکت تبلیغاتی پیام گستر در انتهای خیابان شریعتی مشغول به فعالیت شدم، رفت آمد خیلی سخت بود چون وسیله نقلیه و درآمد چندانی نداشتم. حقوق ماهیانه من ۸۰ هزار تومان بود که ۶۰ هزار تومان آن را بابت قسط وام ازدواج پرداخت می کردم، البته همان وام دیگری برای خرید وسایل زندگی بگیرم. چند ماهی به این شکل گذشت تا به سربازی رفتم و یک سال و نیم از سربازی را در مشهد بودم. ساعت ۵ صبح تا ۲ عصر به پادگان و پس از آن به مغازه برادریم می رفتم و تا ساعت ۱۲ شب آنجا کار می کردم. دوران سربازی تمام شد و من به نیشابور بازگشتم و کارم را با شرکت پیام گستر ادامه دادم و در کنار آن شغل برای شرکت های دیگر بازار یابی می کردم. به مطالعه و مطالب انگیزشی بسیار علاقمند بودم زیرا می خواستم برای زندگی ام هدف مشخصی داشته و پیشرفت کنم، به همین منظور در سمینارهای مختلف شرکت می کردم تا به روز باشم. ماهی

دوران ابتدایی را در روستای محسن آباد بخش زیرخان گذراندم و بعد از آن از طریق آزمون ورودی در مدرسه نمونه دولتی شهید صدوقی قبول شدم. دو سال در مدرسه شبانه روزی نمونه دولتی شهید صدوقی تحصیل نمودم و سال سوم راهنمایی را بنا به مشکلات مالی که خانواده داشت و به اقتضای شغل پدرم به مشهد مهاجرت و چند سال در مشهد زندگی کردیم. در میدان هفده شهریور مشهد سرای سجاد به صورت شب کاری و از ساعت ۸ شب تا ۸ صبح به گلدوزی کامپیوتری مشغول شدم. آن موقع فقط ۱۳ سال سن داشتم و روزها هم تحصیل می کردم. چند سال بعد خانواده به نیشابور بازگشتند و در روستا مستقر شدند، اما من چند سالی به تنهایی در مشهد زندگی و کار می کردم. بعد از مدتی به نیشابور بازگشتم و دوران دبیرستان را گذراندم. خانواده در روستا بودند و من منزل خواهرم زندگی می کردم تا بتوانم درسم را ادامه دهم مدرک دیپلم گرفتم و پس از آن در رشته کاردانی کامپیوتر قبول شدم و در دوران دانشجویی با یکی از دوستان به بحث فروش کامپیوتر روی آوردیم و همزمان نیز یک گلخانه برای تولید خیار درختی راه اندازی نمودم.

اشاره: با رشد و توسعه صنعت ساختمان، فعالان مشاغل و صنایع جانبی ساختمان نیز در اقصی نقاط جهان از دستاوردهای نوینی رونمایی می کنند. تقریباً می توان ادعا کرد که تمام اجزا، مصالح و ملزومات ساختمان ها نسبت به چند دهه اخیر تغییر نموده است. امروز مردم برای استفاده از محصولات و برندهای برجسته هزینه می کنند، خواه آن برند یک سینک ظرفشویی باشد یا سنگ و سرامیک یا حتی یک لامپ. با افزایش جمعیت و بزرگ تر شدن شهرها، ساختمان ها و مجتمع ها از رشد هوایی خیره کننده ای برخوردار شده اند و زندگی ویلا نشینی جای خود را به آپارتمان نشینی داده است. برج ها و مجتمع های بزرگ لزوم استفاده از آسانسور را پررنگ تر از همیشه نموده و این الزام، ممیزی های قانونی را تشدید بخشیده است. تدوین قوانین مربوط به استاندارد اجباری در صنعت آسانسور به منظور به حداقل رساندن خطرات، خدمات و خسارات احتمالی جانی و مالی، از آن جمله است. دریافت مجوز فعالیت در صنعت آسانسور نیز سختگیرانه و براساس ارزیابی های فنی و آموزشی و با رعایت ضوابط خاصی دنبال می شود. امروز با این مقدمه برآیم تا یکی از چهره های متخصص و توانمند صنعت آسانسور کشور را که از نیشابور، شهر علم و ادب و تمدن برخاسته و توانسته است مجموعه ای مشتری مدار را با عنوان شرکت نیکا آسانبر شرق بینالود بنیان نهاده و منشاء خدمات فراگیری باشد معرفی نمایم. مهندس ابراهیم محسنی، چهره ای جوان و نواندیش که پس از سال ها فعالیت در صنعت آسانسور، موفق به تأسیس مجموعه ای با بهره مندی از گروهی جوان، متخصص و علاقمند، پروژه هایی را اجرا نموده که رضایت مشتریان را به دنبال داشته است. ابراهیم محسنی علاوه بر مدیریت شرکت نیکا آسانبر شرق بینالود و عملکردی شایسته در فرآیند فعالیت های خود اعم از طراحی، نصب، اجرا و خدمات پس از فروش، به عنوان یک کارشناس در مراکز آموزش فنی و حرفه ای، دانش، تخصص و توانمندی های خود را با هنر جوانان شهر خود به اشتراک می گذارد تا آنها نیز سهمی در ساختن فردای کشور خود داشته باشند. در یک روز داغ از تابستان ۱۴۰۰ به نیشابور سفر کردیم، اکنون ساعت ۱۱ روز یکشنبه دهم مردادماه. اینجا نیشابور، خیابان بعثت، بین بعثت ۳۸ و ۴۰ ساختمان سپاس و طبقه اول است. در دفتر زیبای مهندس محسنی و در فضای استقبال گرم ایشان و همکاران، دور میزی که بر روی آن چند لیوان بزرگ پر از یخ و شربت آلبالو چشم نوازی می کرد، با ایشان باب سخن آغاز نمودیم تا با شرکت نیکا آسانبر شرق بینالود و اهداف بلند و ارزشمند جوانی شایسته به نام ابراهیم محسنی بیشتر آشنا شویم.